



فرانک آرتا

گفت‌وگو با محمد حیدری قبل از برپایی نشست مطبوعاتی صورت گرفت. نکته جالب این گفت‌وگو این بود که خودش بیش از هر کسی دیگر نقاط ضعف و مثبت جشنواره فیلم فجر را می‌داند. اما با این حال این سؤال همچنان مطرح است که چرا بعد از گذشت ۳۵ دوره، هنوز این جشنواره مهم آیین‌نامه‌ای ندارد تا این‌قدر بخش‌هایش کم و زیاد نشود. با این نگاه به نظر می‌رسد به‌غیر از حیدری، مدیران سینمایی و دست‌اندرکاران کلان سینما باید پاسخ‌گو باشند.

بخش اول مصاحبه را می‌خوانیم:

۱۱ جشنواره اسمال با همه نقدها و نقص‌ها افتتاح شد. قطعا در کنار این نقص‌ها، رزحماتی هم کشیده شده است. قبل از هر چیز تجربه سال گذشته که آن زمان هم دبیر جشنواره بودید، چه چیزی را به شما آموخت که دست‌کم اسمال به‌لحاظ فردی استفاده کردید؟

این رویداد یک رویداد بزرگ سینمایی است که در کشور ما برگزار می‌شود و کار بسیار سختی است. تجربه سال گذشته به من شناخت و آگاهی بیشتری را آموخت. یعنی اینکه راهی را رفته و کارهایی را انجام داده‌اید و امسال می‌توانید آن کارها را با آگاهی و شناخت بیشتری انجام دهید.

۱۲ شناخت در چه زمینه‌ای؟

در زمینه تجربیاتی که قبل‌ا به آن فکر شده است. مثلا سال‌ سال گذشته زمانی که جشنواره تمام شد، مقررات و آیین‌نامه را برای جشنواره تعیین کردیم و گفتیم با توجه به اتفاقاتی که تا به امروز افتاده چه مواردی در این شرایط تغییرپذیر است. مثلا تغییر در مقررات جشنواره در مورد فیلم‌های اول. جلسات زیادی گذاشتیم و به همان چیزی که خودمان به لحاظ تجربه رسیده بودیم که این دوره دیگر نمی‌تواند مثل سال‌های قبل فیلم‌های اول، دوم، داشته باشیم! سینما باید پذیرد تعداد جوانانی که وارد آن می‌شوند زیاد شده و الان سینما پوست‌اندازی کرده است، البته به این معنی نیست که پیش‌کسوتان باید کنار بروند. اصولا معتقدم در دنیا کسی نمی‌تواند جای کسی دیگر را بگیرد. ولی در جشنواره فیلم فجر سال گذشته به این تجربه و آگاهی رسیدیم که فیلم‌های اول بیسی گرفتند و به‌لحاظ کیفی از نظر هیئت داوران بالا بودند و بعد دیدیم نظر مردم هم همین است. این فیلم‌ها در اکران عمومی هم با اقبال روبه‌رو شدند و در جشن خانه سینما هم حدود ۸۵ درصد همان آرا را به‌دست آوردند، پس باید به اتفاقی که افتاده بود توجه می‌کردیم و آن اینکه مثلا برای فیلم‌های اول در سال گذشته ظرفیت ۱۱ تا را در نظر گرفته بودیم. اما همان سال‌ها هم چندین فیلم خوب بیرون ماندند. چون در فراخوان اعلام شده بود که بیش از ۱۱ فیلم اول نمی‌توانیم بگنجانیم. حق خیلی از افراد ضایع شد. چون ما براساس ظرفیت جلو رفته بودیم. امسال برای جشنواره طرحی در نظر گرفتیم که اساس افتاده‌ی سال گذشته بود که بخش «مسابقه سینمای ایران» و «جشم‌انداز سینمای ایران» داشته باشیم. در همین طرح قرار بود بخش مستند هم در این برنامه و مقررات باشد اما نتوانستیم دوستان مستندساز را مجاب کنیم تا به این نتیجه برسند که می‌تواند اتفاق خوبی برایشان بیفتد. این تجربه و آگاهی تا جایی پیش می‌رود که تغییراتی در سیستم برگزاری جشنواره اتفاق نیفتد. همه اینها را تا شش‌هروماه امسال کردیم. اما بعد

در ساختار وزارتخانه تغییراتی صورت گرفت و وزیر تغییر کرد و من منتظم ماندم که آیا می‌توانم با این تغییرات به کارم ادامه دهم یا نه. از زمانی که فراخوان جشنواره را دادم تا زمانی‌که کارهای جدی اجرایی شروع شود وقفه افتاد! به نظرم این تجربه آگاهی و شناخت خیلی مهم است ولی زمانی که مستمر باشد تمرکزبخش خواهد بود. چون جشنواره محل آزمون و خطا نیست. اما چون در این ساختار ثابت چیزی که تعریف می‌شود تثبیت نمی‌شود وضعیت این‌گونه می‌شود! مثلا جشنواره فیلم فجر می‌تواند شورای سیاست‌گذاری واقعی داشته باشد. برنامه و تغییرات را برای حداقل پنج سال تثبیت کند از سویی خیلی از فیلم‌ها اول نگران این بودند که شاید ما برنامه‌ای ریخته‌ایم و می‌خواهیم سه، چهار فیلم اول را بیاوریم و اعتماد نداشتند تا زمانی‌که فیلم‌ها اعلام شد. در این مسیر بحث کیفی مطرح بود و هیئت انتخاب فیلم‌ها را دیدند و گفتیم نگاه نکنید که فیلم‌ها اول هستند یا دوم. مجموع افتاد را ببینید و اظهارنظر کنید. برمی‌گردم به سوال افرادی‌تان که این شناخت، آگاهی و تجربه زمانی می‌تواند مفید باشد که تثبیت شود. یعنی دباند سینما این برنامه را پذیرفته و قرار است چهار سال اجرا شده و کامل‌تر اجرا شود.

۱۳ آیا بعد از ۳۵ دوره هنوز جشنواره فیلم فجر به تثبیت نرسیده؟
چطور آیین‌نامه جشنواره ونیز، برلین یا کن داناما تغییر نمی‌کند یا در حد جزئیات تغییر می‌کند؟

چون جشنواره فجر قانون و مقررات ثابتی ندارد! وقتی دبیرخانه ثابتی ندارد چطور می‌توانید درباره آیین و مقرراتش صحبت کنید؟!

بعد از ۳۴ دوره برگزاری، دوره‌های مختلف جشنواره را بررسی کنید. دوره‌های زیادی در فارابی و بعد در مؤسسه رسانه‌های تصویری برگزار شده. ببینید دیرخانه ثابت این جشنواره کجاست؟ من می‌خواهم به سوابق گذشته این جشنواره مراجعه و دوره‌های مختلف را بررسی کنم. خیلی پراکنده است و خیلی‌ها متکی به دبیر آن جشنواره است. یعنی سوابقش با آن دبیر رفته. چون آنجا تثبیت نشده. یعنی به نظرم نگاه فردی دبیرها مطرح بوده و گاهی این نگاه‌ها تأثیر مثبت و گاهی تأثیر منفی داشته و بستگی به برآوردی بوده که در یک سال سینمای ایران اتفاق افتاد. به نظرم اتفاقاتی که در خیلی از دوره‌ها افتاده چون به دبیر جشنواره برمی‌گشته در نتیجه در دوره بعد دبیر جشنواره آیین‌نامه‌های جدیدی را درنظر گرفته است.

۱۴ یکی از موارد، کیفیت فیلم‌هاست که براساس نگاه هیئت انتخاب تعیین می‌شود. خاطرم هست که سال گذشته در گفت‌وگو با ما گفته بودید می‌خواهم به جایی

گفت‌وگو با محمد حیدری، دبیر سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر- (بخش اول)

مخالف هیئت انتخاب هشتم



عکس: بابک برزویه

برسم که دیگر هیئت انتخاب وجود نداشته باشد. چرا امسال این اتفاق نیفتاد و اینکه براساس چه خردی این شکل از اعضای هیئت انتخاب را کنار هم چیدای؟
همان‌طور که اشاره کردید در همه جشنواره‌های دنیا مدیریت ثابت کمک می‌کند همه از آیین و مقرراتی که در سال‌ها گذاشته شده تبعیت کنند. اصولا مشکل اساسی اینجاست که وقتی در سطح کلان سیاست‌گذاری برای این جشنواره مقرراتی وضع شده آن‌وقت قانون ثابتی را هم تصویب می‌سازند و قانون تثبیت می‌شد، مثلا بگویم ۱۰ سال آینده قرار است این اتفاق در جشنواره بیفتد. چون ما چیزی که درباره جشنواره می‌دانیم این است که در اکران سال آینده هنوز این قصه وجود که چه فیلم‌هایی وارد جشنواره می‌شوند یا نمی‌شوند. این اتفاق برای سینما مهم است ولی الان در این چارچوب نمی‌گنجد.

۱۵ یعنی مقتضیات زمان را شامل نمی‌شود؟

بله، در دوره‌ای ۴۰، ۵۰ فیلم تولید و ۲۲ فیلم انتخاب می‌شد. اما با آورده‌ای حال حاضر باید ساختار جشنواره تغییر کند و غیرقابل اجراست. ۸۵ فیلم در هنر و تجربه داریم. زمانی سینما پایه‌ی ناگتو داشت. الان دوربین‌ها همه دیجیتال هستند و این قانون باید در سازمان سینمایی هم تغییر کند. الان می‌گویند پروانه ساخت ویدئویی و سینمایی ولی با دوربین دیجیتال این چه معنایی دارد؟ این ساختار اشتباه است و از ریشه منتقل شده و وارد جشنواره هم می‌شود. ۸۵ فیلم آن طرف و ۹۵ فیلم این طرف دیده‌ایم. مگر چقدر بستر برای اکران وجود دارد و در کدام سینماها باید نمایش داده شوند؟ سال‌ها این جشنواره هیئت انتخابی دارد و همین قصه تکرار می‌شود و عده‌ای می‌آیند که مجبور هستند انتخاب کنند و عده‌ای به عنوان هیئت انتخاب قبول نمی‌کنند. ساختاری است که سه نفر از این اعضا از هیئت پروانه نمایش باید حضور داشته باشند و چهار نفر هم از سینماگران. مثلا امسال به من گفتند حتما باید در ترکیبتان از دو کارگردان استفاده می‌کردید. کجای آیین‌نامه چنین چیزی نوشته شده؟ مثلا همه فیلم‌های امسال که رقم تقاضا را پر و امضا کرده‌اند نوشته‌ایم که سینمای ایران فیلم‌ها را انتخاب می‌کند. کسی که فیلمش انتخاب شده می‌گوید شرکت نمی‌کنم. مثل فیلم «امپراطور جهنم». ما خودمان به مقررات جشنواره احترام نمی‌گذاریم. قانون که براساس سلیقه افراد وضع نمی‌شود. ما فقط زمانی که قانون به‌نفعمان

باشد قبول می‌کنیم. این در راهنمایی و رانندگی و زندگی اجتماعی‌مان هم صدق می‌کند. بخش زیادی از ترافیک هم به دلیل این است که به مقررات اهمیت نمی‌دهیم. ولی قانونی که در مقررات وضع می‌شود و همه امضا می‌کنند زمانی که به مرحله عمل می‌رسد هرکسی می‌تواند به خودش اجازه دهد که این قانون را رعایت نکند. به من ایراد می‌گیرند که تو مدیر جشنواره هستی و قانون را لحاظ نمی‌کنی. طرف اعتراض می‌کند چرا فیلم من به جشنواره نیامده است؟

۱۶ مگر شما به همه کارت سفید داده‌اید؟
فیلمی که در جشنواره شرکت می‌کند، قبول می‌کند ممکن است انتخاب نشود. ولی مدیریت این سال‌ها کاری کرده برخی از فیلم‌سازان طبلکار شده‌اند. آنها جرئت ندارند

۱۷ در مورد مطلوب ممکن و مطلوب آرمانی صحبت می‌کنیم. شکل آرمانی این است که هیئت انتخاب نباشد اما این‌طور هم نباید باشد که کسانی بیش از اینکه بخواهند در مورد سینما نظر بدهند، فقط به میزبانی نگاه کنند.

یک‌سری افراد را به عنوان شخصیت حقوقی استفاده می‌کنیم که عضو پروانه نمایش هستند.

۱۸ می‌توانید هیئت انتخاب را دومرحله‌ای کنید. هم از سوسی منتخبان شورای نمایش و هم سینماگران دیده شود.

اگر واقعیت‌های موجود جامعه را بدانیم....

۱۹ یکی از واقعیت‌های موجود این است که سینما در سبیل قرار گرفته.

زمانی برای این کار نداریم.

۲۰ این بزرگواران فقط به لحاظ میزبانی، میزبانی را رصد می‌کنند.

بالاخره قانون و مقرراتی که در پروانه ساخت و نمایش هم هست، یک‌سری فیلم‌ها براساس میزبانی پذیرفته نمی‌شوند.

۲۱ همه ما طبق قانون اساسی و در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی زندگی و کار می‌کنیم.

پس باید این چارچوب را بپذیریم.

۲۲ بله. محتوای این است شکلش را مناسب‌تر می‌کنیم.

مگر در شورای پروانه نمایش و هنرمندان هستند....

۲۳ این هنر آقای ایوبی بود که برخی از هنرمندان را وارد مسائل میزبانی هم کرد.

هر سال همیشه بوده.

۲۴ می‌توان هیئت انتخاب را با ناظران هیئت نمایش کنار هم قرار داد. اما هیئت انتخاب از هفت سینماگر تشکیل شود.

فرقی نمی‌کند.

۲۵ چرا؟ مگر مثلا آقای عماد افروغ ادعا کردند فیلم‌ها

را براساس معیار صدا، موسیقی و تدوین رصد می‌کنند؟ قرار نیست داوری کنند. انتخاب این‌ها نیست.

۲۶ معیارهای انتخاب چیست؟

اینکه با توجه به قانون و مقررات جشنواره و وزارت ارشاد فیلم‌ها انتخاب شوند.

۲۷ فیلم‌هایی که نمایش می‌دهید از فیلتر وزارت ارشاد عبور کردند و فیلم‌های زیرزمینی نیستند!
چطور عبور کرده‌اند؟

۲۸ آقای ایل‌بیگی اعلام کرده‌اند همه فیلم‌ها پروانه نمایش دارند.

پروانه ساخت دارند. پروانه ساخت که می‌گیرند تا مرحله تولید تغییرات زیادی می‌دهند.

۲۹ آقای سیدضیا هاشمی که مخالف خانه سینما بودند چرا در هیئت انتخاب حضور پیدا نکردند؟

من تابع قانون و مقرراتی هستم که برای من گذاشته‌اند. قانونی گذاشته‌اند که باید هیئت انتخاب برای جشنواره باشد که شامل هفت نفر بوده و از این هفت نفر، سه نفر باید از شورای پروانه نمایش باشند. چون زمان تولید تا زمان اجرا کم است. گاهی حتی ۲۰ دقیقه آخر فیلم‌ها آماده نیست.

۳۰ پس معیارشان چیست؟ آیا من که مخاطب حرفه‌ای جشنواره فجر هستم و شما که دبیر جشنواره هستید، در جشنواره سینمایی باید چیز دیگری ببینیم؟
خیر.

۳۱ آیا فیلم باکیفیت عناصری همچون فیلم‌نامه، کارگردانی، صدا و... ندارد پس ما توفعی نداریم؟

درست است. موافق هیئت انتخاب نیستم.البته اگر مسئولیتش را به دبیر جشنواره به لحاظ قانونی می‌دادند! زمانی که از هفت نفر، ۱۵ نفر به عنوان مشاور انتخاب از اهالی سینما باشند که این فیلم‌ها را انتخاب کنند و وقتی زمان باشد می‌گویند ۵۰ فیلم را برای بخش پروانه نمایش ارائه می‌دهیم که بخش‌هایی از این فیلم‌ها آنچه در پروانه ساخت و آنچه براساس مقررات و قانون پروانه نمایش با هم تطبیق می‌دهند باید با هم لحاظ شود.

۳۲ آقای افروغ به ضرر قاطع گفت به لحاظ محتوایی فیلم می‌بینم. سینما که فقط محتوا نیست.

منظورم محتوا، موضوع و کیفیت است. ما در چارچوب نظام جمهوری اسلامی می‌لیم می‌سازیم.

۳۳ هیچ کجای دنیا یک سال زمان ندارند.

چرا ندارند. اعلام نمی‌کنند. از اول می‌دانم برای سال آینده ۲۵ فیلم برای بخش مسابقه سینمای ایران باید انتخاب کنم و باید ضرب‌الاجل بگذارم فیلم‌هایی که تا آبان‌ماه به دبیرخانه تحویل داده شوند می‌توانند در جشنواره این هیئت شرکت کنند. که فیلم‌هایی که تا ده‌ماه فیلم‌برداری می‌کنند. این اشتباه است. من باید زمان داشته باشم که فیلم‌ها را انتخاب کنم و به پروانه نمایش بدهم. من این زمان را ندارم. هنوز در ۱۰ دی فیلم‌برداری ادامه دارد. اصلا چرا این فیلم را به جشنواره ارائه می‌دهد؟ این قانون باید درست شود و ضرب‌الاجل زمان انتخاب تا جشنواره حداقل سه ماه باشد. یعنی در مقررات جشنواره اعلام نشود فیلم‌هایی که از بهمن‌ماه امسال تا اول آبان سال آینده به جشنواره ارائه می‌شوند انتخاب خواهند شد. بعد آن‌وقت می‌توانم بگویم سه ماه تا برگزاری جشنواره زمان دارم، فیلم‌ها باید پروانه نمایش بگیرند. اما وقتی تا آخرین لحظه فیلم‌برداری ادامه دارد و از تولید به مصرف می‌شود خیلی بد است و روی کیفیت هم اثر خواهد گذاشت. خم‌رنگرزی که نیست. فیلم‌سازهایی هستند که انتقاد می‌کنند این چه فیلمی است که در ۱۷ روز فیلم‌برداری می‌شود و خودش را به جشنواره فیلم ارائه می‌دهد. شکل انتخاب که نباید این‌طور باشد که در ۱۵ روز ۹۵ فیلم را ببینم. مگر مغز انسان چقدر کشش دارد که روزی پنج، شش فیلم را در فضای بسته ببیند. اگر دو ماه از زمان انتخاب تا جشنواره فرصت داشته باشم می‌توانم پاسخ‌گوی کیفیتم باشم. اما الان نه من پاسخ‌گوی کیفیت هستم و نه می‌توانم بررسی کنم یک‌سری فیلم‌ها چرا پذیرفته نشده‌اند یا به لحاظ کیفی در چه سطحی هستند. اینجاست که انتخاب‌ها سلیقه‌ای می‌شود. شما می‌گویید من هفت نفر را انتخاب از شرایط موجود استفاده کنیم. هر کدام را از انتخاب کنیم یک زمان موجود برای بررسی کامل وجود ندارد.

روی بوم

«ریشه‌ها» در «بن» جان گرفت

شرق: گالری «بن» با برپایی نمایشگاه گروهی طراحی با عنوان «ریشه‌ها» با گردآوری کریم نصر فعالیت خود را آغاز کرد. این نمایشگاه قرار است به مدت یک ماه در این گالری برپا باشد. به گزارش روابطعمومی گالری بن، این گالری که قصد دارد تمرکزش را روی هنر جدی بگذارد، در نخستین گام نمایشگاه خود را به طراحی اختصاص داد و در این نمایشگاه که نخستین نمایشگاه طراحی گردآوری‌شده از سوی کریم نصر است، مجموعه‌ای از طراحی‌های دیده‌نشده بهمن بروجنی، حمید پاروکی، علیرضا جدی، مهرداد ختایی، رضا درخشانی، یعقوب عامه‌پنج، معصومه مظفری، کریم نصر و احمد وکیلی در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است.

در کنار اهمیت طراحی، یکی از دلایلی که موجب اهمیت و جذابیت این نمایشگاه می‌شود، دیده‌نشدن آثار این مجموعه است، چون امروز برخی از هنرمندان این مجموعه را با نقاشی‌های آبستره، فیکوراتیو و انتزاعی می‌شناسیم و کمتر شاهد آثار طراحی این هنرمندان در نمایشگاه‌هایی که برپا می‌شود هستیم.

در این نمایشگاه ۳۸ طراحی از ۹ هنرمند در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفته است و طراحی‌های این مجموعه از یک‌میلیون و ۸۰۰هزار تومان تا هشت‌میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است.

کریم نصر، طراح و گردآورنده نمایشگاه ریشه‌ها، گفت: برای برپایی نمایشگاه ریشه‌ها، من از تعدادی از هنرمندان نمایشگاه‌ده رشته تجسمی که کارهای پایه‌ای کرده‌اند دعوت کردم تا با برپایی این نمایشگاه ضمن دیده‌شدن آثار این هنرمندان، شرایطی نیز برای آموزش نسل جدید هنرمندان فراهم کنیم.

او افزود: با تماشای آثار هنرمندان شوکت‌نشد در نمایشگاه ریشه‌ها، مخاطب متوجه خواهد شد که هنرمندان این نمایشگاه در کارشان جهش ناگهانی نداشته‌اند و با گذر زمان و مداومت در کار مسیرشان را مشخص کرده‌اند.

شبنم طلوع، یکی از مدیران گالری بن، گفت: هدف من و همکارم، مونا زند، این است که در گالری بن به موضوعات مهم و ریشه‌ای هنرهای تجسمی بپردازیم و ازاین‌رو تصمیم گرفتیم نخستین نمایشگاه این گالری به طراحی اختصاص بدیم. با برپایی نمایشگاه ریشه‌ها، هدف ما این است که روند کاری این هنرمندان نشان داده شود، برای اینکه هر یک از این هنرمندان در ادامه راه مسیر دیگری را انتخاب کرده‌اند و از نظر بسیاری از مخاطبان هنرهای تجسمی طراحی‌های آنها کمتر یا حتی دیده نشده است. طلوع با اشاره به فضای گالری بن گفت: این گالری با ۱۶۰ مترمربع فضای نمایشگاهی، در دو سالن راه‌اندازی شده است که سالن کوچک‌تر به صورت دائمی میزبان آثار کاربردی هنرمندان هنرهای تجسمی است و در سالن بزرگ‌تر نیز آثار نمایشگاهی هنرمندان تجسمی را به نمایش خواهیم گذاشت.

او ادامه داد: با توجه به اینکه هدف ما دیده‌شدن نمایشگاه‌های هنرمندان است، قصد داریم نمایشگاه‌ها را یک‌ماهه برگزار کنیم و در گالری بن روی همه هنرمندان باز است، چون در گالری بن قصد نداریم که همانند برخی گالری‌ها تنها با تعدادی هنرمند محدود کار کنیم. مونا زند، یکی دیگر از مدیران گالری بن، گفت: کارگردانی‌های کالی که به عشق و صبر نیاز دارد و من و شبنم طلوع با عشق و علاقه‌ای که به هنرهای تجسمی داریم، تصمیم گرفتیم گالری بن را به‌دفاع حمایت از هنر و هنرمندان تجسمی راه‌اندازی کنیم و گالری بن یک‌شه راه‌اندازی نشده است و پشت آن سال‌ها تجربه و فکر وجود دارد. کالری بن در خیابان احمدیون پلاک ۶۰ واقع شده است و علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره ۲۴۴۳۱۷۹ تماس بگیرند.

عمق میدان

نقدی بر فیلم «وارونگی» به کارگردانی بهنام بهزادی هواپس ناچوانمردانه آلوده‌است

علی قره‌مند

استفاده از ایده‌های دراماتیک در متن که عموما به خط اصلی داستان و خدادهای اصلی ارتباطی ندارد و وجه نمایشی آنها بارز است، اگر به طور صحیحی در درام به کار گرفته شود، موجب درک بهتر موقعیت داستان می‌شود. حتی ایده‌های نمایشی می‌تواند جایگزین خوبی برای جزئیات شخصیت‌پردازی باشد؛ زیرا اگر حساسیت در نشان‌دادن جزئیات در شخصیت‌پردازی به منظور درک بهتر شخصیت وجود داشته باشد، ایده‌های نمایشی هم گاهی اوقات می‌توانند با نشان‌دادن نمایشی وضعیتیه که شخصیت در آن به سر می‌برد، به همدات‌پنداری مخاطب با شخصیت داستان کمک کند.

در فیلم «وارونگی» دو ایده نمایشی وجود دارد که در نمایش وضعیت شخصیت اصلی بسیار مؤثر است و راه مخاطب را به درونیات شخصیت اصلی باز می‌کند. خراب‌کردن دیوار کارگاه خیاطی، به عنوان یک ایده نمایشی هرچند با پیروک اصلی مرتبط نیست، اما به عنوان یک موقعیت نمایشی، در نمایش تدریجی بحران «نیلوفر» مؤثر است.

این صحنه‌ها از خراب‌کردن دیوار تا درگیری برادر «نیلوفر» و «سهیل»- قادر است تا در ناخودآگاه مخاطب، وضعیت بدی را برای نیلوفر متصور شود و در ایجاد همدات‌پنداری مخاطب، نقش مؤثری ایفا کند.

مضمون «وارونگی»، رهایی و آزادی از ظلم است و در انتها نیز مضمون به ظلم‌ستیزی تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، سیر تبدیل شخصیت مظلوم (نیلوفر) به قهرمان ظلم‌ستیز باید باورپذیر باشد. این روند در طول داستان با کشف درونیات کاراکترهای فرعی از سوی «نیلوفر» امکان می‌پذیرد. در واقع «نیلوفر» با پی‌بردن به رفتار ظالمانه خواهر و برادرش، از بند آنها بیرون می‌آید. آشکارشدن درونیات کاراکترها، با ایده آلودگی هوا، به عنوان دومین ایده نمایشی فیلم، کاملا متناسب است.

دومین ایده نمایشی که علاوه بر تأثیر مثبتی که بر فضاسازی و موقعیت داستان دارد، عنوان فیلم هم از این ایده تغذیه می‌کند، ایده وارونگی هواست و با پیشروی داستان، مسئله آلودگی هوا پررنگ‌تر و ملموس‌تر می‌شود. حتی رنگ تصاویر با گذشت زمان، کدرتر می‌شود. این مسئله به صورت کاملا نمایشی با مضمون داستان هم‌جهت است؛ یعنی به طور کامل نمایشی، با آگاهی تدریجی «نیلوفر» از درون خانواده‌اش، هوا آلوده‌تر می‌شود و یک وضعیت بحرانی ایجاد می‌شود و این ایده نمایشی، آلودگی را به ظلم درون کاراکترها تشبیه می‌کند. عنوان وارونگی هم می‌تواند گویای وضعیت وخیم شخصیت اصلی باشد.

اما دقت در پرداخت ایده‌های دراماتیک در فیلم‌نامه تنها متوجه شخصیت اصلی فیلم است و متأسفانه به شخصیت‌پردازی سایر کاراکترها توجه چندانی نشده است؛ مثلا برادر «نیلوفر» چرا این‌قدر سرکش و عصبی است؟ یعنی فقط به علت مسائل مالی این چنین دست به خشونت می‌زند؟ از پرت‌کردن وسیله‌ای به سمت همسرش گرفته تا بی‌خانه و آوارم‌کردن خواهرش، اقدامات قابل توجیهی نیست؛ نظر مخاطب چیزی از سیر تبدیل او به چنین فرد ظالمی را نمی‌داند.

خواهر «نیلوفر» هم که مترسکی از «برناردا آلبا»ست، چطور به چنین جایگاهی رسیده است؟ و اصلا در حالت کلی و با وجود مادری دلسوز، مثلث ظالم (خواهر و برادر نیلوفر) و مظلوم (نیلوفر) چگونه تشکیل شده است؟ اینها سوآلاتی است که بی‌جواب می‌ماند؛ زیرا آن‌قدر که قهرمان فیلم پرداخت درستی دارد، سایر افراد اصلا به شخصیت تبدیل نشده‌اند.

فیلم «وارونگی» درباره رهایی از ظلم است و با یک قصه ساده، سیر کسبختن از ظلم را به تصویر می‌کشد و نکته درخور توجهش هم این است که با آزادی «نیلوفر» از بار ظلم خواهر و برادرش، این مثلث از هم نمی‌پاشد؛ زیرا فیلم‌نامه‌نویس با طراحی یک کاراکتر دیگر به نام «صبا» (خواهرزاده نیلوفر)، فتنه‌رفته جایگاه «نیلوفر» را به «صبا» می‌دهد. صحنه‌ای در فیلم وجود دارد که خواهر و برادر «نیلوفر»، پس از اینکه شاهد سرکشی خواهرشان بوده‌اند و دیگر از اطاعت او قطع امید کرده‌اند، در بیمارستان بار ظلم خود را بر شانه‌های «صبا» می‌اندازند و بدون مشورت با «صبا»، او را مأمور به چنین جایگاهی می‌کنند. از این صحنه به بعد، همه‌ی روابط احساسی «سهیل» و «نیلوفر» بنیان می‌نهد و با پیشروی آخرین پلان فیلم، نمای بسته‌ای از «صبا» دیده می‌شد تا این‌جای ظلم و ظلم‌ستیزی به عنوان مضمون، بهتر بر فیلم می‌نشست و فیلم با تصویر «صبا» به پایان می‌رسید.

حضور شخصیت «سهیل» در فیلم‌نامه نیز دارای اهمیت است. معمولا در درام کلاسیک که قهرمان فیلم، زنی ظلم‌ستیز است به طور کلیشه همواره یک مرد در کنار او قرار دارد و حضور مرد، نیروی محرکه‌ای است برای پیشروی زن؛ مثال نزدیک آن می‌تواند فیلم «جاذبه» باشد که در صحنه ناامیدی قهرمان زن (ساندرا بلاک)، ناگهان ابر و باد و مه و خورشید دست به دست می‌دهند تا روح «جورج کلونی» احضار شود و امید زن را به او بازگرداند. در درام مدرن این کلیشه همواره نقض شده است و در «وارونگی» هم همین اتفاق می‌افتد. فیلم‌نامه‌نویس در ابتدای بحران، پناه زن را بر سنگ رابطه احساسی «سهیل» و «نیلوفر» بنیان می‌نهد و با پیشروی داستان و موفقیت نسبی «نیلوفر» در مشکلات خانوادگی‌اش، رابطه‌اش به خاطر دروغ «سهیل» (پنهان‌کردن فرزندش از نیلوفر) از هم می‌پاشد تا قهرمانی زن طبق مناسبات کلیشه‌های کلاسیک پیش نرود و «نیلوفر» برای رهایی از چیزی، به چیز دیگری پناه نبرد. «وارونگی» فیلم بدی نیست؛ زیرا فیلم‌نامه‌اش مهندسی شده است، هدف دارد و روایت در راستای پیشبرد هدف داستان است و همان‌قدر که شخصیت‌پردازی «نیلوفر» صحیح است، بازی «سحر دولتشاهی» هم استاندارد و دلنشین است؛ اما فیلم خوبی هم نیست؛ چون باقی کاراکترها غیرقابل باورند و بازی‌ها ضعیف است و «علی مصفا»یش هم غیرقابل تحمل.

کاش همانقدر که در فیلم‌نامه دقت قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود، در کارگردانی هم چنین بود و دوربین روی دست ساده‌انکارانه فیلم جای خود را به میزانش‌های بحران‌زا در قاب ثابت می‌داد تا لحن فیلم هم در لحظاتی دچار لکتنت نشود و کاش اکثر فیلم‌سازان ایرانی، از پرداخت تصویری مدرن، چیزی جز استیصال را بیاموزند.

۱- شخصیت اصلی نمایش‌نامه «خانه برناردا آلبا» اثر «فدریکو گارسیا لورکا»